

سرشناسه : اکبری، علی، ۱۳۵۸ -  
عنوان و نام پدیدآور : می خواهم با تو باشم /  
به کوشش علی اکبری.  
مشخصات نشر : تهران: نشر یا زهرا(س)، ۱۳۹۰.  
مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص.؛ مصور (رنگی).  
شابک : 978-600-6274-18-8  
وضعیت فهرست نویسی : فیا  
پادانست : چاپ فیلدی: صیام، ۱۳۸۸.  
موضوع : متوسلیمان، احمد، ۱۳۳۳ - سرگذشتنامه  
موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -  
شهبان - سرگذشتنامه  
رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۱۳۵/۷۲۵/م /DSR۱۶۲۶  
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۲۲-۹۲  
شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۷۰۷۰۵

نام کتاب: می خواهم با تو باشم  
به کوشش: علی اکبری  
ویراستار و صفحه آرا: مریم قربانی بیا  
طرح جلد: علی اصغر بهمن بیا  
عکس: آرشبو نشر یا زهرا سلام الله علیها  
ناشر: یا زهرا سلام الله علیها  
شمارگان: ۵۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: چهارم شهریور ۱۳۹۱  
لیتوگرافی: موج  
چاپ: کارا  
قیمت: ۳۲۰۰۰ ریال

# فهرست

۷	سال شمار زندگی مهندس احمد متوسلیان
۸	اولین ملاقات با زندانی
۱۰	بدنی مجروح و سوخته
۱۲	فرماندهی واقعی
۱۴	فقط جمهوری اسلامی
۱۶	فکر تمیز، فکر کثیف
۲۰	لغو مرخصی
۲۲	قاطعیت
۲۴	پدر دلسوز بسیجیان
۲۸	موش‌های فاضلاب
۳۰	هفت نفر
۳۴	بازدید از مریوان
۳۸	فتح وانی و روگ
۴۲	مردان کومله
۴۴	حماسه‌ی رزمندگان غرب
۴۶	درد دل با شهید بروجردی
۴۸	فرمانده احمد
۵۰	افسر اسیر عراقی
۵۱	حامی مردم کرد
۵۶	جلوتر از دشمن
۵۸	ساعت ۱۰ شب، دزلی
۶۲	سیگار ممنوع
۶۶	راز غیب شدن

۶۸	.....	بشقاب‌های چینی
۷۰	.....	عکس یادگاری
۷۲	.....	روز وداع
۷۴	.....	مراسم صبحگاه
۷۸	.....	آموزش
۸۰	.....	گردار اعزامی از شوشتر و سلاح‌هایشان
۸۲	.....	قانون همگانی
۸۴	.....	صلابت و رأفت
۸۶	.....	ما کارهای مستم
۸۸	.....	مجز و حیت
۹۰	.....	سخنرانی غیرتی
۹۴	.....	مرد میدان
۹۶	.....	فرماندهی اصلی
۹۸	.....	عصا و امام
۱۰۰	.....	جبهه‌ی جنگ اسرائیل
۱۰۲	.....	نماینده‌ی نظام
۱۰۴	.....	سفر بی‌پایان
۱۰۶	.....	زیارت مقام رأس‌الحسین (ع)
۱۱۰	.....	برادر سپاهی
۱۱۴	.....	چهاردهم تیر ماه، روز آخر
۱۱۶	.....	من دیگه آزاد شدم

## سال شمار زندگی مهندس احمد متوسلیان

- ۱۳۳۲، تولد در تهران.
- ۱۳۵۵، گرفتن دیپلم در رشته برق صنعتی از هنرستان صنعتی شماره ۴ تهران.
- ۱۳۵۶، تحصیل در رشته الکترونیک، دانشگاه علم و صنعت تهران.
- ۱۳۵۷، دستگیری در خرم‌آباد توسط مأموران ساواک، در شهریور ماه.
- ۱۳۵۷، سه ماه شکنجه و زندانی توسط عوامل رژیم شاه.
- ۱۳۵۷، عضویت در کمیته‌های انقلاب و مشارکت فعال در تشکیل سپاه تهران.
- ۱۳۵۷، فرماندهی واحد ضربت سپاه منطقه ۶ تهران.
- ۱۳۵۸، عزیمت به کردستان در ناپستان.
- ۱۳۵۸، ایفای نقش در آزادسازی شهرهای مهاباد، سنندج، سقز، بانه و پاوه.
- ۱۳۵۸، فرماندهی عملیات سپاه پاوه در دی ماه.
- ۱۳۵۹، عزیمت به مریوان و آزادسازی این شهر به همراه شهید صیادشیرازی در خرداد ماه.
- ۱۳۵۹، انتصاب به فرماندهی سپاه مریوان در تیر ماه.
- ۱۳۵۹، عملیات‌های متعدد و آزادسازی شهرهای مهم و استراتژیک در مدت فرماندهی سپاه مریوان.
- ۱۳۶۰، تشریف به مکه مکرمه به همراه محمدابراهیم همت و محمود شهبازی در مهر ماه.
- ۱۳۶۰، عزیمت به خوزستان به منظور تأسیس تیپ محمد رسول‌الله(ص) در دی ماه.
- ۱۳۶۰، شرکت در عملیات فتح‌المبین در شمال خوزستان.
- ۱۳۶۱، شرکت در عملیات بیت‌المقدس در جنوب خوزستان.
- ۱۳۶۱، فرماندهی قوای محمد رسول‌الله(ص) اعزامی به سوریه و لبنان در خرداد ماه.
- ۱۳۶۱، روبرو شدن توسط عوامل رژیم صهیونیستی در راه عزیمت به بیروت در تیر ماه.

## اولین ملاقات با زندانی

مادر حاج احمد از اولین ملاقات خود با فرزندش در زندان ساواک این چنین می‌گوید:

احمد در زندان اعتصاب غذا کرده و خیلی ضعیف شده بود. وقتی او را دیدم، مچ دست‌هایش متورم و کبود بود، گفتم: «احمد مچ دستات چرا اینطوری شده؟» خندید و گفت: «چیزی نیست.» گفتم: «نه، راستشو بگو، اینها با تو چی کار کردن؟» نمی‌خواست بگوید، در آخر وقتی او را قسم دادم، گفت: «این کبودی‌ها جای دستبندهاییه که به دو طرف بالای تخت شکنجه وصله، اونها رو محکم دور مچ دستام می‌بستن، بعد با کابل سلاقم می‌زدن. برای اینکه زیر شلاق طاقت بیارم و فریاد نزنم، روی تخت خیلی تقلا می‌کردم. به همین خاطر دستبندها به مچم بدجوری فشار می‌آوردن. برای همین یه خورده مچ دستام کبود شده، اما شما نگران نباشید، زود خوب می‌شن.»